



حجه الاسلام، ابوحامد، امام محمد غزالی طوسی، یکی از مشهورترین مردان تصوف در سده پنجم هجری است. در پژوهش حاضر، برخی آراء و اندیشه‌های غزالی درباره فرزندآوری و پدیده‌های مرتبط با آن، با روش اسنادی-تحلیلی و مطالعه کتاب احیاء علوم‌الدین، مورد بررسی قرار گرفته است. براساس یافته‌های پژوهش، وی به پدیده فرزندآوری اهمیت فراوان داده و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، به بحث درباره آن پرداخته است: از جمله، به بیان ضرورت تشکیل خانواده و نکاح پرداخته و یکی از اهداف مهم آن را، تولید نسل یا بقای نوع انسانی دانسته است. غزالی آفات و فواید نکاح را نیز بیان کرده است. به اعتقاد وی، فواید نکاح داشتن فرزند، شکستن شهوت، تدبیر خانه، چندزنی و مجاهده نفس در ادای حق ایشان است. وی در بحث درباره طلاق که برخلاف ازدواج، منجر به قطع فرزندآوری مشروع می‌شود، آن را مباح و مجاز، اما یکی از دشمن‌ترین مباح‌ها در نزد خداوند متعال دانسته است. در نهایت، غزالی از شیوه عزل به عنوان روش سنتی جلوگیری از بارداری سخن گفته است. غزالی با وجود بحث درباره پدیده‌هایی که به فرزندآوری مرتبط است، آمار و ارقامی را بیان نکرده و بیشتر به صورت نظری به بیان اندیشه‌هایش پرداخته است. البته نباید این امر را نشانه ضعف و کاستی این متفکر بزرگ دانست، بلکه باید به محدودیت داده‌های آماری در دوران گذشته توجه داشت.

واژگان کلیدی

غزالی، مسلمان، فرزندآوری، نکاح، طلاق، عزل، محدودیت‌های آماری

دو فصلنامه علمی پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان / سال دوم / شماره دوم / پاییز و زمستان ۱۳۹۱

بررسی و تحلیل مفهوم فرزندآوری از دیدگاه امام

محمد غزالی

علی انتظاری

استادیار دانشگاه علامه طباطبایی

ali@entezari.ir

عهديه اسديپور (نویسنده مسئول)

کارشناس ارشد رشته جمعیت‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

ahdieasadpor@yahoo.com



مقدمه

سالیان درازی است که در جامعه ما سخن از بومی‌شدن و بومی‌سازی علوم مختلف با توجه به مبانی و اصول اندیشه‌های اسلامی و شرایط و مقتضیات اجتماعی و سیاسی آغاز شده است. شاید یکی از علت‌های آن، بروز تغییرات شدید و عمیقی بوده که بعد از انقلاب اسلامی در همه سطوح و اقشار جامعه ما پدید آمده است. چنین تغییراتی، به معرفی نظامی از ارزش‌ها و هنجارها انجامید که به نحوی انسان نوظهور با رفتارهای متفاوت پس از انقلاب را به وجود آورد که مطالعه و شناخت الگوهای رفتاری بدیع ضرورت دارد. شناخت باید با توجه به مطالعات اندوخته‌های علمی در مکان‌ها و زمان‌های تاریخی مختلف انجام شود. برای مثال، می‌توان متون مختلف علمی نظری و تجربی کشورهای مختلف را بر حسب نیازمندی‌های جامعه ترجمه کرد. اگر ترجمه‌ها بر حسب قواعد و با نظارت و دقیق انجام شود، می‌تواند کمک شایان توجهی کند، همان طور که نهضت ترجمه در دنیای اسلام این کارکرد داشته است. اما تجارب چندین ساله پس از انقلاب نشان داد که ترجمه‌های داخل کشور فاقد چنین ویژگی است (نفیسی، ۱۳۶۸: ۱۵). طریق دیگر این است که به متون تاریخی پرمایه‌ای رجوع کنیم که اندیشمندان بزرگ در دوره‌های تاریخی مختلف تألیف کردند. از آنجایی که جامعه ما بر اساس مبانی اندیشه اسلامی اداره می‌گردد و ارزش‌ها از اسلام نشأت می‌گیرد، می‌توان به متونی رجوع کرد که متفکران مسلمان تدوین کرده‌اند. پژوهشگران حوزه‌های متنوع علمی از جمله حوزه مطالعات جمعیت‌های انسانی باید درصدد بازبینی نظریه‌ها و دیدگاه‌های اندیشمندان در قرون پیشین، برآیند تا بتوانند به اهداف اصلی و فرعی خود از جمله بومی‌سازی علوم دست یابند.

با وجود اهمیت فزاینده این موضوع، متأسفانه آن طور که شایسته است پژوهشگران به‌ویژه جمعیت‌شناسان برای شناسایی اندیشمندان بزرگ حوزه جمعیت بررسی‌هایی انجام ندادند. دست‌اندرکاران این حوزه، مسئله اندیشه‌های جمعیتی متفکران مسلمان به نحوی اندک مورد توجه قرار داده‌اند، در حالی که انجام پژوهش‌هایی وسیع و عمیق درباره پدیده‌هایی جمعیتی مانند باروری، مرگ و میر، ازدواج، طلاق و مهاجرت از دیدگاه اندیشمندان مسلمان ضرورت دارد.

هدف پژوهش حاضر، بررسی اندیشه‌های جمعیتی متفکر مسلمان (امام محمد غزالی) درباره پدیده باروری یا فرزندآوری از میان اندیشه‌های اجتماعی، فلسفی، نجومی، حدیثی، تاریخی محض و غیره وی است. با توجه به وضعیت کنونی جامعه ما ضرورت دارد که به گسترش این



شیوه بردازیم و با تفکیک همه آثار اجتماعی، انسانی و جمعیتی متفکران پیشین در طی قرون متمادی، آنها را به صورت مجموعه‌ای از آرای اندیشمندان مسلمان تدوین کنیم تا در انتخاب صحیح از سقیم و نیل به نظریه‌ای جامع، راه استواری را طی کنیم.

به طور نسبی بر همگان یا حداقل کسانی که به بررسی متفکران کلاسیک مسلمان می‌پردازند، پوشیده نیست که نظریه‌های غزالی از دیدگاه‌های مختلف علمی و روشی مورد توجه قرار گرفته است. از جمله بررسی اندیشه‌های روانشناختی (عثمان، ۱۳۷۶)، نظریه‌های اجتماعی (ستوده، ۱۳۸۵: ۶۳-۵۸ و آزاد ارمکی، ۱۳۸۷: ۲۵۰-۲۴۷)، آراء سیاسی (قادری، ۱۳۷۸: ۹۷-۸۴؛ حلبی، ۱۳۷۲: ۲۳۲-۲۲۳؛ لائوست^۱، ۱۳۵۴؛ منصورنژاد، ۱۳۸۲: ۳۵۴-۱۰؛ میر، ۱۳۸۰)، دیدگاه‌های فلسفی (کارا دو وو^۲، ۱۳۶۱: ۱۴۷-۱۴۰؛ شیدان شید، ۱۳۸۳: ۱۶۱-۸۸؛ ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۰، تربیتی (عطاران، ۱۳۶۶: ۲۴-۵۱) زندگی‌نامه (زرین‌کوب، ۱۳۵۳)، غزالی را می‌توان برشمرد. اما بی‌تردید، گستره تفکر و مطالعات این اندیشمند بزرگ فقط به رشته‌هایی مانند فلسفه، ادبیات، فقه و کلام و غیره محدود نمی‌گردد و می‌توان با دیدی جمعیت‌شناختی، آثار وی را مورد بررسی قرار داد و به استخراج دیدگاه‌های اسلامی و تاریخی‌شان درباره مسائل و پدیده‌های جمعیتی (از جمله پدیده فرزندآوری) پرداخت.

چهارچوب مفهومی

از زمانی که لغت «جمعیت‌شناسی»^۳ توسط آشیل گیارد^۴، اقتصاددان سیاسی فرانسوی در سال ۱۸۵۵ به کار برده شد، تلاش‌های فراوانی برای تدوین مبانی نظری، روش پژوهش و موضوعات رشته یادشده انجام شد. اما آیا می‌توان بیان کرد که صرفاً با ابداع یک واژه، رشته‌ای دانشگاهی ایجاد شده و در پی بررسی گوشه‌ای از زوایای این جهان است؟ بدیهی است که جواب چنین پرسشی منفی است. زیرا «به ندرت ممکن است بتوان با دقت منشأ علم معینی را تعیین کرد» (پرسا، ۱۳۵۳: ۳). همچنین می‌توان ادعا کرد که توجه به جمعیت‌های انسانی از زمان‌های بسیار دور و حتی به موازات حیات بشری و پیدایش تمدن‌ها نیز وجود داشته است. ولی باید به این پرسش پاسخ داد که آیا می‌توان آثار موجود درباره پدیده‌های جمعیتی در قرون گذشته را اندیشه جمعیتی نامید؟ تفاوت بین اندیشه جمعیتی و جمعیت‌شناسی چیست؟

1. Henri Laoust
2. Bernard Carra de Vaux
3. Demography
4. Achille Guillard



برای پاسخگویی به پرسش‌های مذکور، می‌توان دیدگاه جمشیدی‌ها در این باره را مورد توجه قرار داد که چه نوع تبیینی، تفکر اجتماعی و چه نوع تبیینی، جامعه‌شناختی است. وی در کتاب «پیدایش نظریه‌های جامعه‌شناسی» بیان کرده است که از سال ۱۸۷۳ که کنت واژه جامعه‌شناسی را ابداع کرد، بحث‌های فراوانی درباره تحول تفکر اجتماعی بیان شده است. بحث درباره تحول تفکر اجتماعی به بیان پرسش فوق منجر گردید. وی در پاسخ، از سه رویکرد کلی سخن گفته است: دیدگاه اول، مربوط به اندیشمندانی مانند باتامور (۱۳۵۶: ۳)، هانری مندراس (۱۳۵۶: ۱۱)، صدیق و همکاران (۱۳۷۳: ۷۰)، توسلی (۱۳۷۴: ۱۵) و غیره است. در دیدگاه فوق، اروپا و تمدن غرب مرکز قرار گرفته و عصر مدرن، زمینه پیدایش جامعه‌شناسی قلمداد شده است. در رویکرد دوم، برای توصیف کل تاریخ تفکر اجتماعی از گذشته‌های دور تا عصر حاضر، از واژه جامعه‌شناسی به معنای تبیین امور اجتماعی استفاده شده است. گاستون بوتول (۱۳۵۵: ۱۲)، آبراهامز (۱۳۶۳: ۱۰) و طیبی (۱۳۷۰: ۲۶) و غیره پیرو این رویکرد هستند. دیدگاه سوم به افرادی مانند مرتضوی (۱۳۵۴: ۶)، محسنی (۱۳۷۰: ۱۱)، وثوقی و نیک‌خلق (۱۳۷۰: ۱) و برخی دیگر مربوط می‌شود که عناصر قبلی دو دیدگاه یادشده را در آثار خود مطرح کرده‌اند (جمشیدی‌ها، ۱۳۸۷: ۹-۱۳).

به اعتقاد جمشیدی‌ها (۱۳۸۷: ۱۵-۲۱) علاوه بر سه رویکرد فوق، رویکرد چهارمی نیز باید اضافه گردد که در آن وجود مکتوبات و تحولات عمده در طول دوره تاریخی از گذشته دور تا عصر حاضر، در پیدایش نقاط عطف در تاریخ اندیشه اجتماعی نقش مهمی دارند. نقاط عطف مذکور عبارت‌اند از: تاریخ یونان (کلاسیک)، روم (مسیحیت)، ظهور اسلام و پدیده صنعتی شدن در اروپا (مدرن) که مسئله مشترک متفکران شاخص هر دوره «چگونگی تحول تاریخی تمدن‌ها» یا به عبارتی «تغییر» و نیز شیوه‌های دست‌یابی به «نظم اجتماعی» است. متفکرانی مانند افلاطون در کتاب قانون و جمهوریت، ارسطو در کتاب سیاست (ارسطو، ۱۳۴۹: ۲)، سنت آگوستین در کتاب شهر خدا (آگوستین، ۱۳۵۸: ۳۳۶) و ابن‌خلدون در کتاب مقدمه (ابن‌خلدون، ۱۳۶۶: ۵۱) و غیره از جمله آنان محسوب می‌گردند.

اگر سیر اندیشه اجتماعی مطروح را با رعایت اصول و قواعد و همراه با اندکی مسامحه بتوانیم درباره «سیر اندیشه جمعیتی» به کار ببریم، باید گفت موضوعات جمعیتی نظیر زاد و ولد، مرگ و میر، مهاجرت و غیره، صرفاً مختص دوران مدرن نیست و نمی‌توان آن را به تمدن‌هایی نسبت داد که خود را مهد تمدن می‌دانند. در گذشته به علت روابط محدود و سنجیده، و به عبارتی روابط چهره‌به‌چهره، همه یکدیگر را می‌شناختند یا در نهایت کدخدا یا ریش سفید محل،



اطلاعات را به صورت دقیق داشته و گستردگی به حدی نبوده است که به ثبت و ضبط نیاز باشد. این نوع اطلاعات در تمدن‌های بسیار دور را می‌توان جزئی از «احوال شخصیه» (زنجانی ۱۳۷۸: ۵) دانست و زمانی هم که تغییرات جزئی پدید آمد، در درجه اول اطلاعات و آمار اختصاصی جمعیتی می‌توانست در طبقات بالای جامعه وجود داشته باشد. در واقع، درباره این گروه‌های برگزیده، ضمن مدارک مضبوط در بایگانی‌ها، اطلاعات مربوط به وقایع حیاتی از مدت‌ها پیش ضبط شده است (پرسا، ۱۳۵۳: ۳۷). اما در دوره‌هایی از تاریخ که با تحولاتی نیز همراه بود، می‌توان اندیشه جمعیتی را ملاحظه کرد. چنین تحولاتی صرفاً در دوران مدرن و بعد از انقلاب صنعتی در انگلستان یا انقلاب فرانسه یا وقوع دو جنگ جهانی وجود نداشته است. بلکه سایر تمدن‌های بزرگ گذشته نیز در این حوزه نقش داشته‌اند. برخی از تحولات مذکور به‌ویژه در زمانی رخ داده است که دین اسلام ظهور کرد. در دوره اسلام که به لحاظ اجتماعی «دوره انسان- اجتماع» (جمشیدی‌ها، ۱۳۸۷: ۲۱) و به لحاظ جمعیتی، دوره «جمعیت‌های انسانی» نامیده شد، متفکران مهم عصر اسلام و اعصار بعد از آن، از جمله امام محمد غزالی، در آثارشان جمعیت و نیروی انسانی را مورد توجه قرار داده‌اند. هر چند نمی‌توان آنان را جمعیت‌شناس به معنای دوره کنونی نامید، ولی می‌توان به استخراج اندیشه‌های جمعیتی از آثارشان پرداخت.

همان‌طور که بیان گردید، تغییر اصل مهمی است که نیاز به مطالعه و بررسی را توجیه می‌کند. همان‌گونه که سرایی بیان کرده است «اگر در جمعیت‌ها تغییری پدید نیاید، جمعیت‌شناس نیز کار زیادی نخواهد داشت که انجام دهد» (سرایی، ۱۳۹۰: ۱۲-۲۱). باروری^۱، مرگ و میر^۲ و مهاجرت^۳ از عوامل مؤثر بر وقوع تحولات جمعیتی هستند (شهبازی، ۱۳۷۷: ۵۸). در پژوهش حاضر، پدیده فرزندآوری مورد بررسی قرار گرفته است. عناصر مفهومی مرتبط با پدیده مذکور عبارت‌اند از:

دو پدیده مرتبط با باروری، ازدواج و طلاق است. شاید بتوان این طور بیان کرد که دلیل توجه به دو پدیده یادشده در بررسی‌ها و نظریه‌های جمعیتی این است که آنها در «ارتباط مستقیم» (فروتن، ۱۳۷۹: ۴۸) با پدیده باروری هستند. تحقق باروری مشروع، منوط به ازدواج یا تغییر وضعیت زناشویی از حالت ازدواج‌نکرده به حالت ازدواج‌کرده (ازدواج بار اول)^۴

1. Fertility
2. Mortality
3. Migration
4. First marriage



(Shryock and Siggel, 1971: 76) است. طلاق نیز به عنوان اظهار قانونی انفصال ازدواج (لوکاس و میر، ۱۳۸۷: ۱۲۱) سبب فروپاشی زمینه‌های مناسب تحقق باروری مشروع می‌گردد. بدین ترتیب، بین دو پدیده فوق، ارتباط معکوس وجود دارد: هر چه میزان طلاق افزایش یابد، زمینه برای کاهش زاد و ولد فراهم می‌شود و بر عکس.

موضوع بعدی، سن ازدواج است. از آنجایی که طول دوره باروری زن، مشخص و بین سنین ۱۵ تا ۴۹ سالگی است، پایین بودن سن ازدواج سبب می‌گردد که طول مدت دوران زناشویی بیشتر و در نتیجه، زنان بیشتر در معرض حاملگی قرار بگیرند. تنظیم خانواده و آشنایی با وسایل پیشگیری از بارداری به عنوان «مهم‌ترین سیاست ژرفانگر و با کارآیی کوتاه‌مدت» (امانی، ۱۳۸۹: ۸۲) موضوع مورد توجه دیگر در بررسی آثار غزالی است. با توجه به مطالب فوق، در پژوهش حاضر، پاسخگویی به پرسش‌های زیر مورد توجه است: (۱) امام محمد غزالی تحت چه شرایط اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و تاریخی به بیان ایده‌های جمعیتی خویش پرداخته است؟ (۲) غزالی در آثار خود (احیاء علوم دین و کیمیای سعادت) درباره پدیده باروری و عناصر مفهومی آن مانند ازدواج و طلاق، سن ازدواج، تنظیم خانواده و آشنایی با وسایل پیشگیری از بارداری و غیره چه دیدگاهی داشته و چگونه به توصیف، تشریح، تحلیل و تبیین دیدگاه‌های خود پرداخته است؟ (۳) شواهد مورد استفاده غزالی در بیان اندیشه‌هایش چه بوده است؟ و چه رویکردی (رویکرد مذهبی و ایدئولوژیکی یا ناسوتی) در آرای وی غالب است؟

روش پژوهش

در پژوهش حاضر، روش مطالعه اسنادی^۱ مورد استفاده قرار گرفته است. در این بررسی، به دو دسته از آثار و اسناد مراجعه گردید. نخست آثاری که جزء اطلاعات دسته اول محسوب می‌شود و توسط غزالی به نگارش درآمده است. دسته دوم نیز کتب، مقالات و اسنادی است که پژوهشگران متخصص در این حوزه درباره وی تألیف کرده‌اند.

سرگذشت و شرایط اجتماعی و تاریخی دوران زندگی غزالی

به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران، هر اندیشه‌ای برای شکل گرفتن و در نهایت، برای تبدیل شدن به گفتار یا نوشتار از شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زمانه‌اش تأثیر می‌پذیرد (اسدی کویچی، ۱۳۸۹: ۳۰). متفکر مسلمان مورد بررسی در پژوهش حاضر نیز از این امر



مستثنا نخواهد بود. علاوه بر این، در اکثر پژوهش‌های جدید درباره غزالی بر این نکته تأکید شده است که برای فهم غزالی نباید از مطالعه اوضاع و احوال «سیاسی» (لائوست، ۱۳۵۴)، «تاریخی» (Watt 1952)، (وات، ۱۳۸۹) و «اجتماعی» (ستوده، ۱۳۷۶: ۵۸-۵۶) زمانه وی که بر زندگی و اندیشه وی تأثیرگذار بوده‌اند، چشم پوشید.

غزالی «در روستای طابران طوس» (خدیوجم، ۱۳۸۳: ۹؛ حلبی، ۱۳۷۲: ۲۲۳) متولد شد. پدرش، محمدبن محمد مردی «صوفی مسلک» (خدیوجم، ۱۳۸۳: ۱۰)، درویش، صالح و فاقد سواد بود و با حرفه پشم‌ریسی امرار معاش می‌کرد. غزالی از طبقات فرودست و پایین جامعه محسوب می‌شده است. شهر طوس مانند نیشابور، مرو و هرات یکی از کرسی‌های علمی مهم خراسان بود و به دو بخش (ناحیه) بزرگ «طابران و نوغان» (همایی، ۱۳۵۱: ۱۵۲) تقسیم می‌شد. این شهر چند ویژگی خاص داشت که عبارت است از: ۱) عدم بهره‌مندی از صنعت و تجارت فراوان؛ ۲) گسترش فقر و ناامنی با ورود ترکان سلجوقی؛ ۳) وجود فرقه‌های گوناگونی مانند شافعی، حنفی (هم‌مذهب پادشاهان سلجوقی)، اشعری، معتزله، حنابله، کرامیه، شیعه و خطرهای ناشی از فرقه‌گرایی (قادری، ۱۳۸۷: ۸۴؛ ۴) حمله غارتگران و سوداگران به شهرها؛ ۵) وقوع سیل در سال ۴۶۴ هجری و تباهی کشتزارها، حیوانات و جمعیت فراوان و ۶) وقوع سرمایی سخت در سال ۴۹۲ و تباهی باغ‌ها و هلاک شدن جمعیت فراوان در اثر شیوع بیماری‌های واگیردار (زرین‌کوب، ۱۳۵۳: ۱۶۰). البته شایان ذکر است که وجود مزار مقدس، ناحیه را تا حدی از تعرض فرامانروایان بیدادگر مصون می‌داشت و حتی با حضور برخی از آن‌ها برای زیارت، صدقات و خیرات آنها را جذب می‌کرد (زرین‌کوب، ۱۳۵۳: ۷-۳) که این امر تا حدودی موجب احساس آرامش و امنیت می‌گردید.

غزالی در عصری می‌زیست که از یک سو دچار انحلال، انحطاط، ضعف سیاسی و نظامی بوده و از سوی دیگر به لحاظ علمی و ادبی در وضعیتی قرار داشته که نویسندگان و پژوهشگران آن را «قرون طلایی تمدن اسلامی» یا «دوره رنسانس مسلمین» (متز، ۱۳۶۴: ۹) نامیده‌اند. دوران زندگی غزالی به لحاظ اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی چند ویژگی مهم داشت که عبارت است از: ۱) گسترش نهضت اسماعیلیه^۱ با ظهور حسن صباح به عنوان مؤسس آن و دعوت فاطمیان در سراسر جهان اسلام (الفاخوری و الجبر، ۱۳۶۷: ۵۱۸؛ ۲) آغاز

۱. اسماعیلیه، فرقه‌ای از شیعه امامیه است. ظهور این فرقه، اصلاً نتیجه اختلاف در امامت اسماعیل جعفر صادق (ع) با برادر او موسی بن جعفر بوده است. آنها قائل به حفظ امامت در خاندان او بودند (معین، ۱۳۸۲).



جنگ‌های صلیبی^۱ (زرین کوب، ۱۳۵۳: ۱۶۴-۱۶۳؛ ستوده، ۱۳۸۵: ۵۸)؛ ۳) آغاز دوران جدید در بخش وسیعی از جهان اسلام با ورود سلجوقیان^۲. در چنین شرایط نابسامانی از مردان لایق ایرانی نظیر خواجه نظام‌الملک و تجارب آنها در آیین ملک‌داری مدد گرفته شد (ستوده، ۱۳۸۵: ۸۲) و با حاصل تلاش‌های خواجه، نظیر «ایجاد مدارس نظامیه» (صاحبی، ۱۳۷۰: ۴۸) دیانت اسلامی به‌ویژه مذهب تسنن که خلفای بغداد و پادشاهان سلجوقی حامی آن بودند (رواندی، ۱۳۶۹: ۴۲-۴۱) گسترش یافت. کسایبی علاوه بر بیان نتایج مثبت و سودمند مدارس نظامیه، یکی از آثار نامطلوب و زیان‌بخش آن را مبارزه با فلسفه دانسته است که در این میان، مبارزه‌های ضدفلسفی غزالی مشهود است (کسایبی، ۱۳۶۳: ۲۸۱-۲۶۹).

شرایط یادشده، باعث ممتاز شدن عصر غزالی در بین دوره‌های تاریخی می‌گردد که ستوده آن را «دوره علمی و ادبی یا عصر مذهبی و جدلی» (ستوده ۱۳۸۵: ۸۳) نامیده است. بدون تردید، غزالی نیز در انتخاب چنین عنوانی توسط نویسنده فوق، بی‌تأثیر نبوده است، به نحوی که تصور می‌شود غزالی با «نوشته‌های عمیق و پرمغز خود به غالب انواع علوم اسلامی جان تازه‌ای دمید» (خدیدو جم، ۱۳۸۳: ۹) و با استناد به آثارش، می‌توان وی را «عالی‌ترین ائمه و پیشوایان مصلح بزرگ اجتماعی» (همایی، ۱۳۵۱: ۱۵۰) دانست.

غزالی آثار فراوانی از خود بر جای گذاشته است. در پژوهش حاضر به مهم‌ترین اثر غزالی یعنی کتاب احیاءالعلوم الدین^۳، مراجعه شده است که چهار بخش را شامل می‌شود: عبادات، عادات، مهلکات و منجیات (سروش، ۱۳۷۳: ۹-۸ و زرین کوب، ۱۳۵۳: ۱۵۵-۱۵۳) است. سبک غزالی در اثر فوق، «پرمایه و آسان و هموار و روشن» (کارا دو وو، ۱۳۶۱: ۱۴۳) است و به راحتی می‌توان مقصود وی را از نوشته‌اش دریافت. با استناد به کتاب فوق، آراء و اندیشه‌های وی درباره پدیده فرزندآوری یا فرزندزایی بیان می‌شود.

یافته‌های پژوهش

۱. جنگ‌های صلیبی در سده‌های ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ میلادی بین مسلمانان و مسیحیان از ملت‌های مختلف در گرفت. از آنجایی که مسیحیان از ملت‌های مختلف در این جنگ شرکت داشتند، آن را جنگ صلیبی نامیدند. مقصود مسیحیان از این اردوکنشی‌ها، رهایی بیت‌المقدس و تربت عیسی از دست مسلمانان بود.
۲. سلجوقیان بر خلاف روش معمول و رایج دولت‌مردان ایرانی، به وجود یک فرمانروای مطلق اعتقاد نداشتند و بر نظام قبیله‌ای تأکید می‌کردند. آنها از اصول دین و معارف دینی نیز آگاه نبودند (صاحبی، ۱۳۷۰: ۴۷).
۳. این کتاب به طور فشرده به زبان پارسی در کتاب کیمیای سعادت توسط وی تدوین شده است.



غزالی متفکر و حکیم بزرگ قرن پنجم هجری در کتاب احیاء العلوم الدین به تفصیل درباره پدیده‌های مهم و مرتبط با فرزندآوری بحث کرده است. این پدیده‌ها عبارت‌اند از:

ازدواج

ازدواج مبنای تشکیل خانواده، یعنی اولین و مهم‌ترین واحد اجتماعی است. با تشکیل این واحد اجتماعی، انجام یکی از وظایف مهم خانواده، یعنی فرزندآوری آغاز می‌شود. بنابراین، ارتباط ازدواج و تشکیل خانواده با تجدید نسل انسانی (باروری)، بسیار تنگاتنگ است (فروتن، ۱۳۷۹: ۴۸). به عبارت دیگر، ازدواج زمینه مناسب و مساعدی را برای «شروع باروری» (بلادی موسوی، ۱۳۷۸: ۸۱) و تحقق عینی و عملی باروری مشروع^۱ فراهم می‌کند. بر این اساس می‌توان به نقش تعیین‌کننده ازدواج و نکاح در مباحث جمعیتی پی برد.

غزالی نیز به نکاح توجه کرده و آن را از جمله آداب راه دین دانسته است:

همچون طعام خوردن. چنانکه راه دین را به حیات و بقای شخص آدمی حاجت است - و حیات، بی‌طعام و شراب ممکن نیست - پس هم‌چنین به بقای جنس آدمی و نسل وی [باروری] حاجت است و این بی‌نکاح ممکن نیست (غزالی، ۱۳۸۳: ۳۰۱).

به عبارتی ثواب کسی که سعی کند «تا بنده‌ای درافزایید... بزرگ بود» (غزالی، ۱۳۸۳: ۳۰۱). وی نکاح را به علت تجدید بقای انسانی، مباح (روا و جایز) دانسته است، «نه برای شهوت، بلکه شهوت که آفریده است... تا خلق را فرا نکاح همی‌آرد» (غزالی، ۱۳۸۳: ۳۰۱). به عبارت دیگر، غریزه جنسی محرک تشکیل خانواده است و نه هدف.

همان‌طورکه بیان گردید، ازدواج روشی مورد پسند عرف و اجتماع، برای به دنیا آوردن فرزندان مشروع است و به افزایش موالیذ منجر می‌گردد و «بندگان حضرت ربوبیت بیشتر همی شوند، و امت مصطفی (ص) بیش می‌شود» (غزالی، ۱۳۸۳: ۳۰۱). و به همین دلیل است که رسول (ص) گفت: «نکاح کنید تا بسیار شوید، که من روز قیامت مباحات کنم به شما با امتان دیگر پیغمبران تا^۲ به کودکی که از شکم مادر بیفتد» (غزالی، ۱۳۸۳: ۳۰۱).

اکنون که اهمیت ازدواج روشن گردید، باید گفت میزان اهمیت ازدواج نزد علمای دین متفاوت بوده است. برخی از علمای دین در بیان فضیلت نکاح مبالغه کرده‌اند تا حدی که

1. Legitimate Fertility

۲. که خدا آفریده است.

۳. حتی



«گفته‌اند نکاح فاضل‌تر از مشغول شدن به عبادات نفل^۱ است» (غزالی، ۱۳۶۶: ۴۵). گروهی دیگر به فضل آن اعتراف کرده‌اند، ولیکن «مشغولی به عبادت بر آن تقدیم فرموده‌اند» (غزالی، ۱۳۶۶: ۴۵). به اعتقاد گروهی نیز در این روزگار ما «ترک آن فاضل‌تر است و در زمان متقدم آن را فضلی بود که در آن وقت‌ها کسب‌ها محظور [قدغن و ممنوع] نبود و اخلاق زنان نکوهیده نه» (غزالی، ۱۳۶۶: ۴۵). با تشریح آرائی که درباره ازدواج و مجرد وجود دارد، لازم است به شرح آفات و فواید نکاح از دیدگاه غزالی بپردازیم تا بتوانیم نظر وی را درباره ازدواج درک کنیم. غزالی قبل از سخن درباره جنبه‌های مثبت و منفی نکاح، با نقل آیات، اخبار و آثار موجود درباره ترغیب به نکاح و تنفیر^۲ آن، نتیجه گرفت که «تنفیر از نکاح از کسی نقل نشده، مگر مقرون به شرطی، ولی ترغیب به نکاح هم به شکل مطلق و هم به صورت مشروط» (غزالی، ۱۳۶۶: ۵۱-۴۵) موجود است. از عبارت مذکور به نحوی می‌توان ترغیب اجتماع و سنت به ازدواج را استنباط کرد. بنابراین، تشریح آفات و فواید ازدواج ضرورت دارد.

آفات نکاح

غزالی سه آفت و نکته منفی درباره ازدواج مطرح کرده است. آفت اول «عجز از طلب حلال ... خاصه در این روزگار با اضطراب معیشت‌ها» است (غزالی، ۱۳۶۶: ۶۸). در چنین شرایطی مجرد ماندن در اولویت است، به جز کسانی که «مالی موروث و یا مکتسب از حلال» (غزالی، ۱۳۶۶: ۶۹) داشته باشند. دوم آنکه «قیام کردن به حق عیال نتوان الا به خُلق نیکو و صبر کردن بر محالات ایشان و احتمال کردن رنج ایشان، و به تدبیر کارهای ایشان قیام کردن» (غزالی، ۱۳۸۳: ۳۰۷). و در آخر اینکه دل و اندیشه فرد متأهل به تدبیر و فراهم آوردن زندگی مناسب برای اعضای خانواده مشغول شود و از ذکر یاد خداوند باز ماند. به گفته غزالی «اهل و فرزند وی را از خدای تعالی مشغول گرداند و به طلب دنیا کشد و تدبیر معیشت فرزندان به بسیاری جمع مال و ذخیره کردن از برای ایشان و طلب تفاخر و تکاثر» (غزالی، ۱۳۶۶: ۷۱). موارد بالا، از جمله نکات منفی در ازدواج هستند که در صورت وجود مجموعه آن‌ها، عذب ماندن بر ازدواج رجحان دارد.

۱. کار خیری که انجام آن واجب نباشد، اعمال حسنه و مستحب.

۲. به معنای ایجاد نفرت و بیگانگی است.



فواید نکاح

غزالی، پنج فایده برای نکاح مطرح کرده است که عبارت‌اند از:

داشتن فرزند: به اعتقاد غزالی، فرزندآوری، متغیری است که «نکاح بر آن وضع افتاده و مقصود بقای نسل [باروری] است و آنکه عالم از جنس انس خالی نباشد» (غزالی، ۱۳۶۶: ۵۱). غزالی معتقد است که وجود آدمی و بقای نسل «محبوب حق تعالی» (غزالی، ۱۳۸۳: ۳۰۲) است و هر فردی که حکمت آفرینش را بشناسد، در این امر تردید نمی‌کند.

زمانی که خداوند زمین زراعی، تخم، جفتی گاو، آلات و ابزار زراعت و فردی برای زراعت آموزش در اختیار بنده خویش بگذارد، اگر انسان خردمند باشد، باید بداند که مقصود خداوند چیست. زمانی که خداوند «نر و ماده بیافریده است و ایشان را آلت تناسل داده، و نطفه را در مهره‌های پشت بیافریده و برای آنان در اُنثیین^۱ رگ‌ها و گذرگاه‌ها ساخته، و رحم را مقرر و مستودع^۲ نطفه گردانیده و متقاضی شهوت بر هر یکی از ایشان مسلط کرده» (غزالی، ۱۳۶۶: ۵۲) بر هیچ عاقلی پوشیده نماند که مقصود از این چیست؟!

اهمیت ازدواج و فرزندآوری تا حدی است که حتی برای عینین^۳ نیز نکاح مستحب است، برای «اقتدا به دیگران و تشبه به سلف صالح» (غزالی، ۱۳۶۶: ۵۴) و برای کسانی که «به عجز و عُنت مبتلا نیست، و آن بیشتر خلق‌اند» (غزالی، ۱۳۶۶: ۵۸). نکاح واجب و مهم در طی طریق دین است. عمومیت ازدواج یکی از متغیرهای مورد بررسی در علم جمعیت‌شناسی است و تأثیر مستقیمی بر میزان باروری می‌گذارد. بدین معنا که هر چه میزان ازدواج تعداد افرادی که در سن ازدواج قرار دارند، بیشتر باشد، احتمال اینکه میزان باروری افزایش یابد نیز بیشتر می‌شود. زیرا زنان از قابلیت باروری خود استفاده می‌کنند و آن را به فعلیت می‌رسانند. غزالی در آثارش ازدواج را حتی برای افراد ناتوان، پدیده‌ای همگانی و واجب دانسته است. اگر جامعه زمان غزالی در قرن پنجم هجری قمری را جامعه‌ای سنتی در نظر بگیریم، عمومیت ازدواج معمول به نظر می‌رسد. در ضمن، در بسیاری از روایت‌هایی که غزالی نقل کرده است، ازدواج با زنانی که توانایی بچه‌آوری داشته باشند، مورد تأکید قرار گرفته است که بیانگر اهمیت و ارزش

۱. به صیغه تشبیه به معنای دو خایه.

۲. ودیعت‌گاه.

۳. ناتوان در نزدیکی با زنان.



فرزندآوری و افزایش زاد و ولد است. برای نمونه، غزالی از پیامبر (ص) نقل کرده است: «بورایی در گوشه خانه به از زنی نازاینده^۱. و گفته است: خَيْرُ نِسَائِكُمُ الْوَلُوذُ الْوَدُوذُ؛ بهترین زنان شما زاینده دوست‌دارنده است. وی هم‌چنین از پیامبر (ص) نقل کرده است: سَوَاءٌ وَلُوذٌ خَيْرٌ مِنْ حَسَنَاءَ لَا تَلِدُ؛ زشت‌زاینده به از خوب‌نازاینده» (غزالی، ۱۳۶۶: ۵۵). و اگر از قبل شوهری نداشته که زاینده‌گی وی تأیید شود، «تندرستی و جوانی را اعتبار باید کرد، چه با آن دو صفت در غالب زاینده بود» (غزالی، ۱۳۶۶: ۸۵). در واقع، سالم بودن و واقع شدن در سن جوانی، دو معیار مهم در تشخیص زاینده‌گی زنان محسوب می‌شود. هرچند در این روایت، سن جوانی تعیین نشده، ولی در دوران کنونی با وجود اختلافی که در تعیین دامنه سنی جوان وجود دارد، وزارت کشور ایران، ۱۸-۳۵ سالگی را به عنوان دامنه سنی جوان در نظر گرفته است. دوره مناسب برای باروری و فرزندآوری زنان (بین ۱۸ تا ۳۵ سال) است و حاملگی زنان در سنین کمتر از ۱۸ سال و بیشتر از ۳۵ سال با خطرهای بیشتری همراه است.

نکته مهم دیگر در مباحث غزالی، تأکید احادیث و روایت‌های نقل شده در کتاب وی بر چندهمسری مردان است. «یکی از بزرگان صلحا نکاح بسیار کردی تا به حدی که از دو زن و سه و چهار خالی نبودی» (غزالی، ۱۳۶۶: ۵۹). غزالی در جای دیگر بیان کرده است: و شخصی بر حال صوفیان انکار کرد، یکی از ارباب دین وی را گفت: بر ایشان چه چیز انکار می‌کنی؟ گفت: بسیار می‌خورند. فرمود که اگر تو هم چندان گرسنه باشی که ایشان می‌باشند، هم‌چنان خوری که ایشان می‌خورند. گفت نکاح بسیار می‌کنند. فرمود که اگر تو هم چشم و فرج خود را هم‌چنان نگاه داری، هم‌چون ایشان نکاح بسیار کنی (غزالی، ۱۳۶۶: ۶۰-۵۹).

یا در جای دیگر از ابن عمر نقل کرده است «در ماه رمضان پیش از نماز خفتن با سه کنیزک مباشرت کنید» (غزالی، ۱۳۶۶: ۶۰). وی همچنین به نقل از ابن عباس بیان کرده است: «بهترین امت پیغامبر آن کسانند که زنان بیش دارند» (غزالی، ۱۳۶۶: ۶۰). رواج و گسترش پدیده چندهمسری (چندزنی) از خلال بحث‌های غزالی استنباط می‌شود «... و مغیره بن شعبه، هشتاد زن در نکاح آورده بود. و در صحابه طایفه‌ای بودند که سه زن و چهار زن داشتند و کسانی که دو زن داشتند، از شمار بیرون بودند» (غزالی، ۱۳۶۶: ۶۲). در ابتدا به نظر می‌رسد چندزنی بر میزان باروری تأثیری ندارد، زیرا در محاسبه میزان باروری در جمعیت‌شناسی، زنان در مخرج

۱. به زبان عربی: لَحْصِيرٌ فِي نَاحِيَةِ الْبَيْتِ خَيْرٌ مِنْ أَمْرَأَةٍ لَا تَلِدُ.



کسر قرار می‌گیرند. ولی رواج این پدیده، احتمال میزان مجرد قطعی زنان (نسبت درصد زنانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند) را کاهش می‌دهد و میزان عمومیت ازدواج افزایش می‌یابد که به لحاظ تأثیر بر زاد و ولد حائز اهمیت است.

ارزش فرزندآوری به عنوان هدف اساسی ازدواج تا حدی است که غزالی در کتاب خود (احیای علوم دین) ازدواج با خویشاوندان نزدیک را به این علت که «شهوة در حق خویشاوند ضعیف بود» (غزالی، ۱۳۶۶: ۸۷) نادرست دانسته و دوری از آن را توصیه کرده است. وی سخنی از پیامبر (ص) را در توجیه ادعای خود نقل کرده است: «خویشاوند نزدیک را به زنی مکنید که فرزند ضعیف آید و آن به سبب تأثیر وی باشد در تضعیف شهوت» (غزالی، ۱۳۶۶: ۸۷). به اعتقاد غزالی، میان گزینه جنسی (شهوت) و داشتن فرزند ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد:

شهوت و فرزند هر دو مقدر است ... و روا نباشد که گویند مقصود، لذت است و فرزند لازم آن است، چنانکه قضای حاجت لازم خوردن است و در ذات خود مقصود نیست؛ بلکه در فطرت و حکمت فرزند مقصود است و شهوت باعث آن است (غزالی، ۱۳۶۶: ۵۷).

بنابراین، ازدواج با خویشاوندان نزدیک به دلیل ضعف شهوت مورد تأیید نیست. جمعیت‌شناسان کنونی ازدواج فامیلی یا خویشاوندی را یکی از عوامل مؤثر در مرگ و میر کودکان می‌دانند. در پژوهشی درباره مرگ و میر کودکان در کشورهای مصر، پاکستان، ترکیه و یمن، اثر هم‌خونی و ساختار خانواده فامیلی در مرگ و میر کودکان با استفاده از مدل‌های علمی ثابت شده است (Warriner, 1999). غزالی درباره مسئله فوق در قرن پنجم هجری صحبت کرده است. وی با بهره‌گیری از احادیث ائمه اطهار (ع) مردم را از وجود چنین خطری آگاه کرده است.

تدبیر خانه: تدبیر منزل یکی از نکات مثبت نکاح و زناشویی ذکر گردیده است که به طور غیرمستقیم با باروری مرتبط است.

ازدواج باعث فراغ دل (مرد) از «تدبیر خانه و مصالح پخت و سرشت و مشغولی رفتن و فرش انداختن و پاکیزه کردن آوندها و ساختن [تدارک] اسباب زندگانی» است (غزالی، ۱۳۶۶: ۶۴). اگر مرد همه کارهای خانه را بر عهده بگیرد، زمان مناسب و مفید آن ضایع می‌شود و نمی‌تواند «به علم و عمل بپردازد» (غزالی، ۱۳۶۶: ۶۴). بنابراین، زنی پارسا محسوب می‌شود که خانه را به صلاح و به شکلی مناسب مدیریت کند.

بر اساس مباحث غزالی، نقش زن بیشتر در محدوده محیط خانه تعریف شده و اشتغال در بیرون از خانه برای آنها، متداول نبوده است. اشتغال زنان در بیرون از خانه و ورود آنان به



حوزه‌های اجتماعی و عمومی بعد از انقلاب صنعتی به صورت عملی پدید آمده و به صورت نظری تأثیرات آن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. اشتغال زنان در بیرون از خانه، آثاری بر باروری داشته است. در گذشته زنان هویت خود را با فرزندآوری به نمایش می‌گذاشتند و بدین طریق خود را به اجتماع معرفی می‌کردند. اما در دنیای کنونی با ورود به حوزه اجتماعی و مشارکت در فعالیت‌هایی غیر از تیمارداری و فرزندآوری و فرزندپروری، موقعیت خود را بهبود بخشیدند. موقعیت بهبودیافته زنان با افزایش سن ازدواج، کاهش فاصله سنی بین زوجین، افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده و کاهش باروری (Casterline, 1986) به نقل از: محمودیان، (۱۳۸۳) همراه بوده است.

اکنون جا دارد از غزالی پرسیم فرد چگونه باید دست به انتخاب بزند؟ به اعتقاد غزالی، به طور مطلق نمی‌توان حکم کرد نکاح فرد فاضل‌تر است یا ترک آن. بلکه فرد باید مجموعه عوامل را به صورت معتبر مورد محک و قیاس قرار دهد. به اعتقاد غزالی اگر «آفت‌ها منتفی باشد و فایده‌ها متجمع، بدان که مال حلال دارد و خوبی نیک و جدی در دین، و نکاح وی را از خدای - عزوجل - مشغول نگرداند، و مع ذلک جوان بود و تنها و محتاج به تسکین شهوت و تدبیر منزل و تکثر به قرابتان، بی‌شک نکاح وی فاضل‌تر با آنچه در آن سعی نمودن است در تحصیل فرزند» (غزالی، ۱۳۶۶: ۷۱).

وی در ادامه بیان کرده است: «و چون احوال مختلف باشد، در بعضی حال‌ها نکاح فاضل‌تر بود و در بعضی ترک آن بر ما واجب بود ... والله اعلم» (غزالی، ۱۳۶۶: ۷۴). بنابراین، در اینجا تصمیم بر عهده فرد است و گزینش بین تأهل یا تجرد، باید به نحوی عقلایی و با توجه به آفات و فواید انجام شود.

طلاق

در بررسی‌های جمعیت‌شناختی، پدیده طلاق نیز یکی دیگر از موضوعات مورد بررسی است. گرایش جمعیت‌شناسان به بررسی طلاق به دلیل ارتباط آن با باروری و زاد و ولد است که البته بر عکس ازدواج، طلاق سبب فروپاشی زمینه‌های مناسب برای تحقق باروری مشروع می‌گردد. بدین ترتیب، بین دو پدیده یادشده، ارتباط معکوس وجود دارد؛ به طوری که هر چه میزان طلاق افزایش یابد، زمینه برای کاهش زاد و ولد فراهم می‌شود و بر عکس.



پرسش مورد توجه در بخش حاضر این است که آیا غزالی در آثارش به پدیده طلاق توجه داشته است؟ آیا وی طلاق را مجاز دانسته است یا خیر؟ و چگونه و چه ابعادی از پدیده مذکور را مطرح کرده است؟ پاسخ پرسش اول، مثبت است. وی در باب سوم (در آداب زندگانی کردن و آنچه در دوام نکاح وجود دارد) از بخش آداب نکاح در کتاب احیاء علوم دین (غزالی، ۱۳۶۶: ۱۱۶-۱۱۳)، درباره طلاق صحبت کرده است.

با استناد به آثار غزالی، طلاق و گسستن پیوند زناشویی مجاز و رواست. به اعتقاد وی «بباید دانست که طلاق مباح است» (غزالی، ۱۳۶۶: ۱۱۳). اما در ادامه بیان کرده است که این امر با وجود جایز بودن، یکی از «دشمن‌ترین مباحات» (غزالی، ۱۳۶۶: ۱۱۳) در نظر خداوند است. بنابراین، باید تا جایی که می‌توان تلاش کرد تا طلاق انجام نشود، مگر اینکه ضرورتی پدید آید «... و ایذاء^۱ روا نیست، مگر به خیانتی از جانب زن یا ضرورتی از جانب مرد» (غزالی، ۱۳۶۶: ۱۱۳). حال باید دید چه زمانی چاره‌ای جز طلاق وجود ندارد؟ به عبارت دیگر، تحت چه شرایطی می‌توان پذیرفت که دو نفر پیوند زناشویی خود را از هم بگسلند و چنین گسستی ضروری است؟ این شرایط از نظر غزالی عبارت‌اند از: (۱) زمانی که پدر، نسبت به همسرش بیزار باشد یا نفرت داشته باشد. به اعتقاد غزالی «اگر پدر، زن پسر را کراهیت دارد...» (غزالی، ۱۳۶۶: ۱۱۳). غزالی روایتی را برای تأیید حرفش نقل کرده است: «ابن عمر - رضی الله عنهما - گفت که همسری داشت که او را دوست می‌داشت. پدرش از همسر او بیزار بود و گفت که او را طلاق بده. ابن عمر نزد پیامبر (ص) رفته و از وی پرسید و پیامبر نیز گفت که او را طلاق بده. و این نشان می‌دهد که حق پدر بر حق زن مقدم است»؛ (۲) هرگاه که زن، همسرش را اذیت کند و بدخوی و کم‌دیانت باشد. ابن مسعود در این باره گفته است که هرگاه زن شوهر خود را برنجانند، «فاحشه باشد [گناه بزرگ و نابخشودنی]» (غزالی، ۱۳۶۶: ۱۱۳). حال اگر این رنجانیدن از سوی شوهر باشد، جایز است که زن مالی را ببخشد و خودش را باز خرد.

علاوه بر عدم توافق اخلاقی میان زوجین که غزالی بیان کرده است، بر اساس یافته‌های پژوهش‌های کنونی، عوامل اصلی طلاق، اختلاف سن، اعتیاد، بیکاری، مشکلات اقتصادی (رحیمی، ۱۳۷۹: ۱۰۱) و غیره است که غزالی درباره آنها بحث نکرده است. شاید یکی از علت‌های آن، مسئله نبودن چنین مواردی در زمان او بوده است. به عبارت دیگر، اگر ازدواجی با

۱. اذیت و آزار کردن، کسی را بیازردن، آزدن و رنجانیدن (دهخدا).



عدم تناسب سنی زوجین انجام می‌شد، مورد پذیرش جامعه بود و به این دلایل گسست پیوند زناشویی پدید نمی‌آمد.

غزالی با استفاده از روایات و اخبار بیان کرده است آنگاه که شوهر قصد طلاق دادن زن می‌کند، لازم است که چهار نکته را مورد توجه قرار دهد: یکی آنکه در زمان پاکی که در آن مباشرت نکرده باشد، طلاق دهد. زیرا طلاق دادن در زمان حیض یا در زمان پاکی که در آن مباشرت وجود داشته است، بدعتی حرام است. دوم اینکه، شوهر بر یک بار طلاق دادن بسنده کند و سه بار طلاق ندهد. زیرا در صورت پشیمانی بعد از یک بار طلاق دادن، امکان بازگشت و نکاح مجدد وجود دارد. سوم آنکه، در طلاق دادن نرمی پیشه کند و آن را سبک بشمارد و هدیه‌ای به او اهدا کند تا به جبران آزار و اذیتی بپردازد که با جدایی به زن می‌رسد. به اعتقاد غزالی «تلفظ نماید در تعلل طلاق دادن بی‌تعنیف و استخفاف، و دل او را به هدیه‌ای بر سبیل مٹعه [برخورداری] خوش کند، و مصیبتی که در آزار مفارقت بدو رسانیده است، جبران گرداند...» (غزالی، ۱۳۶۶: ۱۱۴). و در نهایت، رازهای زن را چه در زمان نکاح و چه در زمان طلاق، فاش نکند.

با توجه به مطالب بالا، می‌توان گفت غزالی پدیده طلاق را مورد توجه قرار داده و آن را تحت شرایط و مقتضیات خاصی مجاز دانسته است، هر چند به عقیده وی باید در حفظ پیوند زناشویی کوشید.

روش‌های پیشگیری از حاملگی

روش پیشگیری از حاملگی (عزل) نیز موضوع دیگری است که غزالی به بررسی و تحلیل آن پرداخته است. شیوه مقاربت منقطع یا عزل، از مهم‌ترین روش‌های جلوگیری از حاملگی است. زوجین می‌توانند با استفاده از این روش از بارداری‌های ناخواسته جلوگیری کنند. زیرا بارداری‌های ناخواسته می‌تواند «فشارهای فراوان اقتصادی، اجتماعی، روانی و تربیتی را بر خانواده و اعضای آن تحمیل کند» (بحرانی، ۱۳۷۷: ۵۹) و تأثیرات منفی فراوانی در جامعه پدید آورد. غزالی روش مقاربت منقطع را یکی از راه‌های جلوگیری از بروز بارداری‌های ناخواسته

۱. عزل یا پس‌کشی عبارت است از خارج کردن قضیب از مهبل قبل از انزال (کتابی، ۱۳۸۷: ۴۵). عزل کردن به معنای باز داشتن آب منی از رحم زن از بیم بارداری (غزالی، ۱۳۶۶: ۱۰۵).



معرفی کرده است. وی احادیث و اخبار روایت شده در این باره را بیان کرده است که برخی از آنها مطرح می‌گردد.

به اعتقاد غزالی، مرد «عزل نکند و آب را بگذارد تا به رحم زن رسد، چه هیچ نَسَمه نیست که حق تعالی، بودن آن تقدیر کرده است» (غزالی، ۱۳۶۶: ۱۰۵). و چنین مفهومی را می‌توان در سخنان پیامبر (ص) نیز یافت. در روایتی بیان شده است که «مردی از رسول (ص) پرسید که مرا کنیزکی است خادمه و نمی‌خواهم که آبستن شود که از کار بازماند. گفت: عزل کن که اگر تقدیر باشد، فرزند خود پدید آید» (غزالی، ۱۳۸۳: ۳۲۱). آرای علما درباره کراهیت و اباحت عزل را می‌توان به چهار گروه مختلف دسته‌بندی کرد:

بعضی مطلقاً در همه حال‌ها روا داشته‌اند و بعضی در همه حال‌ها تحریم کرده‌اند؛ و بعضی به رضای زن روا داشته‌اند و بی‌رضای وی نه و چنانستی که ایشان ایذای زن تحریم می‌کنند نه عزل را؛ و بعضی در بنده روا داشته‌اند و در حُرّه [زن آزاد] نه (غزالی، ۱۳۶۶: ۱۰۵). در این زمینه، نظر خود غزالی تقریباً، تأیید عدم ممنوعیت این شیوه برای پیشگیری از حاملگی است، چنانچه بیان کرده است «درست آن است که رواست» (غزالی، ۱۳۶۶: ۱۰۵). به گفته غزالی:

اولین مرحله وجود با ورود نطفه به رحم آغاز می‌شود، نه با دفع نطفه از مجرای مرد. زیرا طفل تنها از منی مرد به وجود نمی‌آید، بلکه از الحاق مایع مرد و زن یا از الحاق مایع مرد و خون قاعدگی زن به وجود می‌آید. و به هر نوع آب [مایع] زن رکن انعقاد است و اجتماع هر دو آب چون اجتماع ایجاب و قبول است، در وجود حکمی در عقدهای شرعی [مانند دو عامل پیشنهاد و قبول است که قراردادی را منعقد می‌سازند]. پس هر که ایجاب کند [پیشنهاد دهد] و پیش از قبول طرف مقابل رجوع نماید [پس بگیرد یا منصرف شود]، این عمل نه نقض و نه انکار قرارداد است، ولی پس گرفتن پس از قبول طرف، نقض قرارداد و خلاف است.... (غزالی، ۱۳۶۶: ۱۰۶).

حال اگر بیان شود که عمل عزل، باعث از بین بردن موجودیت جنین نمی‌شود، مکروه نیست، بلکه کراهت آن به دلیل انگیزه‌هایی است که در این عمل وجود دارد. انگیزه‌ها و محرک‌های عزل از دیدگاه غزالی پنج چیز است که عبارت‌اند از: ۱) جلوگیری از آزاد شدن کنیزان: به گفته غزالی «در کنیزکان و آن نگاهداشت ملک باشد تا به سبب بارداری و استحقاق آزادی مالکیت زایل نشود» (غزالی، ۱۳۶۶: ۱۰۷). به عبارت دیگر در اینجا توسل به عزل، حفاظت از حق فردی است، زیرا چنانچه کنیز از مالک خود صاحب فرزندی شود، آزاد می‌گردد.



بنابراین، برای جلوگیری از آزادی کنیز که جزء دارایی و متعلقات ملک اوست، عزل بلامانع است؛ ۲) دومین انگیزه برای تأیید عزل، حفظ زیبایی و نشاط زن و حفظ حیات زن و دوری از درد زایمان است. «استبقای خوبی [زیبایی] زن و فربهی اهل تا بدان ممتع باشد و استبقای زندگانی او از بیم درد زه [زایمان]» (غزالی، ۱۳۶۶: ۱۰۷؛ ۳) نگرانی به علت تعدد فرزندان و حاملگی‌های خسته‌کننده و ناخواسته که در این مورد نیز جلوگیری مکروه نیست، زیرا کاهش نگرانی‌ها، حس پرهیزگاری و دین‌داری را تقویت می‌کند. بی‌شک، کمال و فضیلت انسانی در اعتماد کامل به خدا و اطمینان از حمایت بی‌دریغ اوست. زیرا خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: و ما من دابّه فی الأرض إلا علی الله رزقها؛ هیچ جنبنده‌ای نیست که تأمین روزی او بر عهده خداوند نباشد. در واقع، احتیاط‌های مذکور، تنزلی از اوج و کمال فضیلت انسانی است. با وجود این، نمی‌توان گفت که در نظر گرفتن احتیاط‌های لازم برای اجتناب از عواقب امور با اراده و مشیت الهی، مغایر و ممنوع است؛ ۴) ترس از داشتن فرزند مؤنث و شرم از پدر دختر بودن که نزد طوایف عرب در جاهلیت، اهانت‌آمیز بود و به همین دلیل، اعراب غالباً فرزندان دختر را به هنگام تولد از بین می‌بردند تا از خفت و خواری رهایی یابند. این انگیزه از جمله انگیزه‌های ناروا و نامشروع است؛ ۵) وقتی زن به علت غرور یا به دلیل ابتلای به وسواس یا به علت ناراحتی‌ها و دردهای پس از زایمان یا به دلیل شیر ندادن به کودک درصدد جلوگیری از حاملگی باشد، عزل جایز است (غزالی، ۱۳۶۶: ۱۰۸-۱۰۷).

در علم جمعیت‌شناسی، یکی از اصول و مراحل اجرای طرح‌های تنظیم خانواده، در کنار آگاهی به وضع موجود خانواده‌ها و مرحله تشویق و ترغیب، انتخاب روش‌های مناسب جلوگیری از بارداری، پس از محرز شدن لزوم اجرای این برنامه است. در حال حاضر، مهم‌ترین روش‌های متداول برای جلوگیری از بارداری عبارت است از: خروج قبل از انزال، شست‌وشوی بعد از مقاربت با داروها و مایعات طبی تجویز شده، دوره مطمئن ماهانه زنان، ژله از بین‌برنده اثر اسپرم، پوشش مردانه، دیافراگم برای زنان، آی-یو-دی (حلقه داخل رحمی)، قرص‌های خوراکی برای زنان، کاشت قرص پلاک زیر پوست زنان، عقیم کردن مرد (واژکتومی به معنای بستن کانال اسپرم مرد)، عقیم کردن زن (توبکتومی به معنای بستن لوله‌های ترمپ زن) و خودداری‌های موردی کامل زن و مرد برای مدت معین و غیره (امانی، ۱۳۸۹: ۹۹-۹۳). همان‌طور که بیان گردید، یکی از روش‌های تجویز شده، خروج قبل از انزال است که غزالی از آن با عنوان «عزل» یاد کرده است. نام نبردن از سایر روش‌ها، مبنی بر ضعف علمی این اندیشمند بزرگ نیست. به هر حال، پیشرفت علوم تجربی و مدرن، به تدریج موجب کشف و



معرفی برخی از روش‌های جدید برای پیش‌گیری از حاملگی گردید. روش عزل نیز یکی از روش‌های سنتی برای جلوگیری از حاملگی بوده است و بر اساس روایت‌های مورد استناد غزالی، مورد تأیید ائمه اطهار (ع) است.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان گردید، در گستره معارف بشری هیچ نظریه و شاخه علمی را نمی‌توان یافت که یک‌باره پدید آمده باشد. بدیهی است که حکما و متفکران فراوانی از جمله متفکران مسلمان، درباره حوزه‌های مختلف علمی به بحث، پژوهش و بیان نظریه پرداختند. جمعیت‌شناسی نیز مانند سایر رشته‌های جدید، از این روند مستثناء نیست و سیر تقریباً طولانی را پیموده تا به مرحله کنونی رسیده است. همه پژوهشگران معتقدند که اندیشه جمعیتی حتی در تاریخ‌های بسیار دور نیز وجود داشته است (Brown, 1978; Ehrlich and Ehrlich, 1990). بر همین اساس، می‌توان ادعا کرد که متفکر مسلمان مورد بررسی ما نیز یکی از متفکران در حوزه جمعیت بوده است، زیرا در آثار وی مباحثی وجود دارد که با موضوعات مورد بررسی در علم جمعیت‌شناسی کنونی در ارتباط مستقیم است. ازدواج، طلاق و روش‌های پیشگیری از بارداری از جمله مباحث مذکور است.

با وجود این، غزالی درباره بسیاری از واقعیت‌های جمعیتی که «سهم جمعیت‌شناسی امروز» (سرای، ۱۳۹۰: ۸) است، بحث نکرده است، از جمله درباره شاخص‌های مربوط به باروری مانند میزان موالید (CBR)، میزان باروری عمومی زنان^۱، میزان باروری گروه‌های ویژه سنی^۲، متوسط تعداد اطفال به دنیا آمده یک زن (میزان باروری کل^۳)، میزان باروری نکاحی^۴، فاصله متوسط بین موالید، میزان‌های خالص و ناخالص تجدید نسل، میانگین موالید زنده برای زنان یک سن خاص، روش‌های ابزاری (مانند غلاف، دیافراگم، اسپرم‌کش، وسیله فلزی داخل رحمی^۵) و روش‌های شیمیایی (وسایل خوراکی جلوگیری از حاملگی‌ها یا قرص‌ها، آمپول‌های تزریقی مانند دپو پروورا^۶، کپسول‌های کاشتنی مانند نورپلانت و غیره)، جلوگیری از حاملگی و میزان شیوع آن‌ها به جزء روش عزل یا مقاربت منقطع، روش‌های مستقیم و غیرمستقیم تحلیل

1. General Fertility Rate (G.F.R)
2. Age Specific Fertility Rate (A.S.F.R)
3. Total Fertility Rate (T.F.R)
4. MFR
5. Intrauterine Contraceptive Device (IUD)
6. Depo-Provera



باروری و غیره، شاخص‌های مربوط به ازدواج مانند تعداد زنان ازدواج کرده و ازدواج‌نکرده، میزان تجرد قطعی، میزان طلاق، رویداد تولد، ازدواج و طلاق.

در نگاه اول و سطحی‌نگر، فقدان آمارهای جمعیتی نوعی نقصان و کاستی به نظر می‌رسد و این فکر به ذهن متبادر می‌شود که غزالی، اندیشه‌چندانی را طرح نکرده و به توضیح و تشریح آن نپرداخته است. اما باید به شرایط و مقتضیات مکانی و زمانی زندگی وی توجه کرد و از جمله علل اساسی عدم توضیح و توصیف عناصر و مفاهیم فوق را فقدان آمارهای جمعیتی دانست. در واقع، «شاید بتوان گفت که تکوین جمعیت‌شناسی هم مشروط به وجود قبلی آمارهای جمعیت بوده است» (سرایبی، ۱۳۹۰: ۷). مسئله‌ساز نبودن این موضوعات و مفاهیم در دوران زندگی غزالی و عدم نگاه تخصصی و جزءنگر به یک رشته از دلایل دیگر است. با نگاهی به آثار متفکران مسلمان از جمله غزالی متوجه می‌شویم که در دوران گذشته، متفکران در کتب خود درباره هر موضوعی سخن گفته و به معنای واقعی حکیم بوده‌اند. بنابراین، آن‌ها جمعیت‌شناس به معنای واقعی امروزی نیستند، بلکه می‌توان آن‌ها را صاحب‌نظران، حکیمان یا متفکرانی دارای اندیشه جمعیتی محسوب کرد.

شاید هم عدم دسترسی به آمارهای جمعیتی موجب شده است تا آن‌ها علاوه بر عدم بیان میزان یا نرخ خاصی برای مؤلفه‌های اساسی تغییر و تحولات جمعیتی، بیشتر نگرش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی حاکم بر جامعه و با بینشی مذهبی و دینی مسایل یادشده را مورد توجه قرار دهند. به عبارت دیگر، در دیدگاه‌ها و رویکردهای متفکران مسلمان مورد بررسی درباره پدیده‌های جمعیتی، غلبه روحیه دینی و اسلامی را می‌توان به وضوح درک کرد. غزالی در بیان همه اندیشه‌هایش به طور مستقیم به قرآن کریم، احادیث و سخنان ائمه اطهار علیه‌السلام استناد کرده یا با بیان داستان‌ها و حکایت‌های تاریخی، هنجارها و نگرش‌های اسلامی را مورد تأیید قرار داده است.



کتابنامه

۱. آبراهامز، جی. اچ. (۱۳۶۳)، مبانی و رشد جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران: چاپخش.
۲. ابراهیمی‌دینانی، غلامحسین (۱۳۷۰)، منطق و معرفت در نظر غزالی، تهران: امیرکبیر.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۶)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: نگاه.
۴. ارسطو (۱۳۴۹)، سیاست، حمید عنایت، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۵. آزادارمکی، تقی (۱۳۸۷)، اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از آغاز تا دوره معاصر، تهران: سروش.
۶. اسدی کویجی، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، مقایسه عصیبت ابن‌خلدون با سرمایه اجتماعی (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد)، تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
۷. آگوستین قدیس (۱۳۵۸)، شهر خدا، ترجمه حسین توفیقی، تهران: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۸. امانی، مهدی (۱۳۸۹)، مبانی جمعیت‌شناسی، تهران: سمت.
۹. باتامور، تی. بی. (۱۳۵۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه سید حسن منصور و سید حسن حسین کلجایی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۱۰. بحرانی، محمود (۱۳۷۷)، بررسی نرخ باروری‌های ناخواسته و عوامل هم‌بسته با آن در شهر شیراز، فصلنامه جمعیت، ۲۵ و ۲۶، ۷۰-۵۹.
۱۱. بلادی موسوی، صدرالدین (۱۳۷۸)، بررسی تحول ازدواج در ایران، فصلنامه جمعیت، ۲۷ و ۲۸، ۱۰۴-۸۱.
۱۲. بوتول، گاستون (۱۳۵۵)، جامعه‌شناسی، ترجمه هاشم رضی، تهران: آسیا.
۱۳. پروسا، رولان (۱۳۵۳)، جمعیت‌شناسی اجتماعی، ترجمه منوچهر محسنی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. توسلی، غلامعباس (۱۳۷۴)، نظریه‌های جامعه‌شناسی ۱، تهران: دانشگاه پیام نور.
۱۵. جمشیدی‌ها، غلامرضا (۱۳۸۷)، پیدایش نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. حلبی، علی‌اصغر (۱۳۷۲)، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در ایران و جهان اسلامی، تهران: بهبهانی.
۱۷. دو وو، بارون کارا (۱۳۶۱)، متفکران اسلام، فلسفه مدرسی‌گری و علم و کلام و تصوف (جلد ۴)، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. رحیمی، حسین (۱۳۷۹)، بررسی علل طلاق در استان خراسان، فصلنامه جمعیت، ۳۳ و ۳۴، ۱۱۲-۱۰۰.
۱۹. رواندی، مرتضی (۱۳۶۹)، تاریخ اجتماعی ایران (جلد ۷)، تهران: نگاه.
۲۰. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۵۳)، فرار از مدرسه، تهران: امیرکبیر.
۲۱. زنجانی، حبیب‌الله، کامل شادپور، امیر هوشنگ مهربار و محمد میرزایی (۱۳۷۸)، جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، تهران: بشر.



۲۲. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۶)، تاریخ اندیشه‌های اجتماعی در اسلام، تهران: مؤسسه انتشارات آوای نور.
۲۳. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۵)، تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از فارابی تا شریعتی، تهران: ندای آریانا.
۲۴. سرابی، حسن (۱۳۹۰)، جمعیت‌شناسی: مبانی و زمینه‌ها، تهران: سمت.
۲۵. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۳)، قصه ارباب معرفت، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۲۶. شهبازی، عباس (۱۳۷۷)، برخی از عوامل اقتصادی- اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری شهرستان نهاوند، فصلنامه جمعیت، ۲۳ و ۲۴، ۷۸-۵۸.
۲۷. شیدان شید، حسین‌علی (۱۳۸۳)، عقل در اخلاق از نظرگاه غزالی و هیوم، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۲۸. صاحبی، محمدجواد (۱۳۷۰)، اندیشه اصلاحی در نهضت‌های اسلامی، تهران: کیهان.
۲۹. صدیق، رحمت‌الله، محمود رجبی و سیدمحمدسلیمان‌پناه (۱۳۷۳)، درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی: تاریخچه جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
۳۰. طیبی، حشمت‌الله (۱۳۷۰)، مبادی و اصول جامعه‌شناسی، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
۳۱. عثمان، عبدالکریم (۱۳۷۶)، روانشناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی، ترجمه محمدباقر حجتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۲. عطاران، محمد (۱۳۶۶)، آراء مربیان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک (ابن‌سینا، غزالی و خواجه نصیرالدین طوسی): برای معلمان، دبیران، دانشجویان مراکز تربیت معلم، تهران: وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش، دفتر امور کمک آموزشی و کتابخانه‌ها.
۳۳. غزالی، ابوحامد محمد (۱۳۵۳)، کیمیای سعادت، به تصحیح حسین خدیو‌جم، تهران: کتاب‌های جیبی.
۳۴. غزالی، محمد بن محمد (۱۳۵۱)، نصیحه الملوک، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران: انجمن آثار ملی.
۳۵. غزالی، محمد بن محمد (۱۳۶۶)، احیاء علوم الدین، ترجمه مؤید الدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: علمی و فرهنگی.
۳۶. الفاخوری، حنا و العجر، خلیل (۱۳۶۷)، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۳۷. الفاخوری، حنا و العجر، خلیل (۱۳۶۷)، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۳۸. فروتن، یعقوب (۱۳۷۹)، ملاحظات جمعیتی در فرهنگ عامه ایران (با تأکید بر ضرب‌المثل‌ها)، فصلنامه جمعیت، ۳۲-۳۱، ۶۹-۴۶.



۳۹. قادری، حاتم (۱۳۷۸)، اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تهران: سمت.
۴۰. کتابی، احمد (۱۳۸۷)، درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴۱. کسایبی، نورالله (۱۳۶۳)، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران: چاپخانه سپهر.
۴۲. لائوست، هنری (۱۳۵۴)، سیاست و غزالی، ترجمه مهدی مظفری، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۴۳. لوکاس، دیوید، میر، پاول (۱۳۸۷)، درآمدی بر مطالعات جمعیت‌شناسی، ترجمه حسین محمودیان، تهران: دانشگاه تهران.
۴۴. متز، آدام (۱۳۶۲)، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا (رنسانس اسلامی) (جلد ۲)، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر.
۴۵. محسنی تبریزی، منوچهر (۱۳۵۳)، مقدمات چاپ جامعه‌شناسی. تهران: سازمان خدمات علمی و فرهنگی پژوهش‌بار.
۴۶. مرتضوی، جمشید (۱۳۵۴)، تاریخ جامعه‌شناسی، تهران: کتاب‌فروشی تهران.
۴۷. معین، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ فارسی معین، تهران: ندا.
۴۸. مندراس، هانری و گروویچ، ژرژ (۱۳۵۶)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: امیرکبیر.
۴۹. منصورنژاد، محمد (۱۳۸۲)، بررسی تطبیقی تعامل مردم و حاکم از دیدگاه امام محمد غزالی و امام خمینی، تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
۵۰. میر، ایرج (۱۳۸۰)، رابطه دین و سیاست: تفسیرهای امام محمد غزالی و خواجه نصیرالدین طوسی از پیوند دین و سیاست، تهران: نی.
۵۱. نفیسی، محمود (۱۳۶۸)، سیری در اندیشه‌های اجتماعی مسلمین، تهران: امیری.
۵۲. همایی، جلال‌الدین (۱۳۴۲)، غزالی‌نامه: شرح حال و آثار و افکار امام محمد غزالی ۴۵۰-۵۰۵ هـ. ق، تهران: فروغی.
۵۳. وثوقی، منصور و نیک‌خلق، علی اکبر (۱۳۷۰)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران: خردمند.

54. Brown, Lester (1978), *The Growth and Control of World Population*, Widenfeld & Nicolson Pub., London.
55. Ehrlich, Paul R. and Annc H. Ehrlich (1990), *Populations, Resources, Environment*, Simon and Scuster Pub., New York.
56. Shryock, Henry S. and Jacob S. Siggel (1971), *The methods and Materil of Demography*, Bureau of the Census Pub., Washington D. C.
57. Warriner, Ina Katherine (1999), *Non-traditional approaches to traditional demographic questions: Three essays on fertility and mortality*, Dissertations.
58. Watt, William Montgomery (1952), *The Authenticity of the Works Attributed to al-Ghazālī*, *Journal of the Royal Asiatic Society*, 84(1-2), 24-45.